

سیمای خشونت علیه زنان در شعر شاعران معاصر عراق و بررسی علل آن مطالعه موردی: رصافی، زهاوی، سیاب و ملائکه

مصطفی تراویده*

پیمان صالحی**

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی سیمای خشونت علیه زن در اشعار چهار شاعر معاصر عراق: رصافی، زهاوی، سیاب و ملائکه و دیدگاهشان نسبت به پدیده خشونت علیه زن با استناد به دیوان اشعار آنان و تکیه بر نقد فرهنگی و به کارگیری روش توصیفی - تحلیلی است. خشونت علیه زن پدیده‌ای تلخ با سابقه‌ای طولانی و با ابعاد فیزیکی، روانی، جنسی، اجتماعی و اقتصادی است که هنوز هم در جوامع انسانی وجود دارد. نتایج پژوهش بیانگر این است که شاعران مزبور در اشعار خود انواع خشونت علیه زن از جمله محرومیت از حضور در اجتماع و بهره‌مندی از رشد علمی و فرهنگی، استفاده به عنوان کالایی جنسی، تحقیر، تهدید به طلاق و سرگردانی، بدرفتاری، تنبیه بدنی و سلب حق انتخاب همسر منعکس کرده‌اند. همچنین آنان از ابتدال زنان در اثر فشار فقر، نداشتن حامی، نبود نهادهای حمایتی و اجتماعی و ذبح ناجوانمردانه زنان و دختران به حکم سنت قبیله‌ای ننگ‌زدایی سخت متأثر شده‌اند و تربیت نسلی شریف، آزاده و شجاع را برای جامعه، مرهون بهره‌مندی زن از زندگی شرافتمندانه دانسته‌اند.

کلید واژگان: خشونت علیه زنان، شاعران معاصر عراق، رصافی، زهاوی، سیاب، ملائکه

*دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران، پردیس فارابی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول، ایمیل: mtsoushiant@gmail.com)

**استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

مقدمه

یکی از مسائل مهم سال‌های اخیر که مورد توجه جامعه‌شناسان، روان‌شناسان، حقوق‌دانان، نویسندگان و شاعران قرار گرفته موضوع زن و خشونت علیه او است. خشونت علیه زنان واقعیتی تلخ و آزاردهنده است که سابقه‌ای طولانی دارد و هم‌اکنون نیز خشونت در همه جوامع انسانی اعم از جوامع پیشرفته و جوامع در حال توسعه وجود دارد. در سال ۱۹۹۳ برای اولین بار جامعه بین‌المللی حقوق بشر، خشونت علیه زنان را به‌عنوان یکی از موارد نقض بنیادین حقوق بشر به رسمیت شناخت و در مارس ۱۹۹۴ گروه حقوق بشر، گزارشگر ویژه‌ای را برای خشونت بر ضد زنان برگزید که مأموریتش بررسی علل و پیامدهای این خشونت بود (لوین^۱، ترجمه پوینده، ۱۳۷۷: ۶۳).

زن در جوامع عرب از جمله عراق نیز در طول قرن‌های متمادی مظهر شرف و اعتبار مرد و قبیله خواه در مقام مادر و خواهر و خواه در مقام همسر و محبوبه بوده است، از این رو مرد از بیم خدشه‌دار شدن زن، محدودیت‌های سنگینی برای او ایجاد کرد که خواه‌ناخواه به اعمال انواع خشونت نسبت به زن انجامید و هنوز هم مظاهر آن در جوامع عرب از جمله عراق مشاهده می‌شود. در مقابل عده‌ای هم زن را به‌عنوان ابزاری ارزان‌قیمت جهت کام‌جویی و لذت به کار گرفته و او را از نقش عمده‌اش در زندگی محروم و حقش را در بهره‌مندی از زندگی‌ای آزادمنشانه و شرافتمندانه سلب کرده‌اند و در هر دو حالت چه افراط در حفاظت از زن به خاطر قداستش و چه داشتن نگرش کالایی ارزان به وی، زن دستخوش انواع و اقسام بدرفتاری، ظلم و خشونت شده تا آنجا که مطابق آمارها بیش از ۴۴ درصد زنان عراقی دستخوش انواع خشونت به‌ویژه خشونت خانوادگی می‌شوند (رشید^۲ و حمود^۳ و عطوان^۴ و رضا^۵ و صبحی^۶، ۲۰۱۲: ۱۹) و این واقعیت‌های تلخ و مظاهر آن در شعر شاعران مشهور معاصر عراق مجسم شده است.

با توجه به اینکه اولاً دین اسلام و کتاب آسمانی‌اش قرآن برای زن جایگاه عظیمی به‌عنوان همسر و مادر قائل است، به همین دلیل مسلمانان باید نسبت به زن، احترام خاصی داشته باشند.

اهتمام به پژوهش پیرامون پدیده خشونت علیه زن از جنبه اجتماعی و ادبی موضوعی تازه است و در عراق مقارن با دیگر کشورهای عربی و عمدتاً از سال ۲۰۰۳ به بعد انجام گرفته است. از جنبه اجتماعی رشید (۲۰۱۲) پژوهشگر دانشگاه بغداد به همراه گروهی متشکل از اساتید دانشگاه‌های بغداد^۷، بصره^۸، واسط^۹ و صلاح‌الدین^{۱۰} با همکاری «مرکز دارالسلام العراقی» مبادرت به انجام پژوهشی میدانی در چهار استان نجف^{۱۱}، بصره، اربیل^{۱۲} و بغداد با عنوان «المنظور الثقافی ضد المرأة فی العراق» نمودند. رشید و گروه‌اش در این پژوهش به موضوعاتی نظیر تأثیر تحولات اجتماعی عراق در بنای فرهنگ تبعیض علیه

۱. Lowin
۲. Rashid
۳. Hamud
۴. Atwan
۵. Reza
۶. Sobhi
۷. Baghdad
۸. Basrah
۹. Wasit
۱۰. Salah Al-Din
۱۱. Najaf
۱۲. Arbil

زن، علل تاریخی، اجتماعی و فرهنگی خشونت علیه زن، انواع خشونت رایج علیه زن در جامعه عراق، مفاهیم مرتبط با خشونت علیه زن نظیر شرف، مردسالاری، خودکشی و ... پرداخته‌اند.

از جنبه ادبی غذامی^۱ (۲۰۰۰) در کتاب «المرأة و اللغة» می‌کوشد ویژگی‌های مردانه زبان و پیکار فرهنگی زنان برای ورود به ساختار زبان را بررسی کند. او بر این باور است که اگر زن امکان آن را می‌یافت که نگارش تاریخ را بر عهده بگیرد و این کار در انحصار مردان نبود، بی‌شک تاریخی متفاوت به دست می‌آوردیم که از زنان کنشگر و تأثیرگذار و حادثه‌ساز سخن می‌گفت و به این ترتیب زنانگی نیز همچون مردانگی ارزشی مثبت می‌یافت. ولی آنچه پیش آمد، غیبت همه‌جانبه عنصر مؤنث از عرصه تاریخ بود چرا که زن از حوزه زبان و نوشتن فرهنگ کنار گذاشته شد و مردانگی عنصر یکه‌تاز زبان شد و در پی آن، زبان با قلمی مذکر و مردانه به نوشتار درآمد و زن از یک «وجود طبیعی» به «موجود فرهنگی» بدل می‌شود که حقوق وی سلب شده و دارای معنا و دلالتی محدود و وابسته است (زارعی، ۱۳۸۸: ۱۶۲). غذامی در کتابش به اشعار برخی شاعران قدیم و جدید عرب استناد کرده است.

سلیم^۲ (۲۰۱۱) در مقاله‌ای با عنوان «الأمثال الشعبية كخلفية للعنف في المجتمع الجزائري: دراسة تحليلية» پس از بررسی خشونت به عنوان پدیده‌ای اجتماعی، به موضوع سیمای خشونت علیه زن در امثال محاوره و بیان مصادیق آن در این حوزه و میزان تأثیر امثال عربی حاوی مضامین خشونت در تشدید این پدیده در جامعه عرب به‌ویژه الجزایر^۳ پرداخته است.

جابر^۴ (۲۰۱۲) دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات عرب دانشگاه بصره در رساله‌ای با عنوان «العنف في الشعر العراقي الحديث مظاهرة و تجلياته» پس از بررسی ریشه‌های تاریخی و فرهنگی خشونت در جامعه عرب و در طول دوره‌های مختلف، در فصلی جداگانه با عنوان «مظاهر العنف في الشعر الاجتماعي» به بررسی مظاهر خشونت علیه زن در شعر جدید عراق از جمله رصافی^۵، زهاوی^۶، سیاب^۷ و ملائکه^۸ پرداخته است.

پژوهش مذکور به روش توصیفی - تحلیلی قصد دارد تا با بررسی این مسائل در شعر شاعران عراقی معاصر از جمله رصافی، زهاوی، سیاب و ملائکه پاسخگوی سؤالات زیر باشد:

۱- پدیده خشونت علیه زنان در شعر شاعران مذکور عراقی چگونه تبلور یافته است؟

۲- دیدگاه این شاعران، به عنوان روشنفکران جامعه، نسبت به خشونت علیه زنان چیست؟

روش

طرح پژوهش، جامعه آماری و نمونه‌گیری: روش این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است. در بخش توصیفی، اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است. در بخش تحلیلی، با مطالعه دیوان‌های رصافی، زهاوی، سیاب و ملائکه و انتخاب و یادداشت‌برداری اشعار مرتبط با موضوع پژوهش، تجزیه و تحلیل به صورت کیفی صورت گرفته است.

۱. Ghazzami

۲. Salim

۳. Aljazayer

۴. Jaber

۵. Rassafi

۶. Zahavi

۷. Siyab

۸. Malaekah

روش اجرا

از آنجا که پژوهش حاضر درصدد بررسی سیمای خشونت در اشعار شاعرانی چون رصافی، زهاوی، سیاب و ملائکه است، ابتدا از منابعی که حتی المقدور در این راستا تألیف شده است، استفاده گردید، از این رو اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری و فیش‌برداری انجام گرفت، سپس با تکیه بر دیوان این شاعران، اشعار حاوی مضامین خشونت استخراج و به بررسی و تحلیل این اشعار و دیدگاه سراینده به‌عنوان روشنفکر جامعه پرداخته شده است.

ابزار سنجش

نظر به بهره‌گیری از روش توصیفی - تحلیلی در این پژوهش جهت به تصویر کشیدن خشونت و مظاهر آن، ابزار اصلی پژوهش مجموعه کتب تألیفی مرتبط با پژوهش و دیوان‌های شعری چهار شاعر معاصر عراق: رصافی، زهاوی، سیاب و ملائکه است.

جایگاه زن در دین اسلام

ارزش وجودی زن در خانه به اندازه‌ای است که از عوامل آرامش برای زندگی مرد به شمار آمده است و در قرآن به این موضوع اشاره شده است: «جعل منها زوجها لیسکن إلیها» (اعراف/۱۸۹) و گفت‌وگوی با وی نیز از کارهای نیک و خوب شمرده می‌شود. خدای سبحان می‌فرماید: «و از جمله نشانه‌های او، این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنارش آرامش یابید و میان شما الفت و رحمت برقرار ساخت» (روم/۲۱). هم‌چنین در تعامل با همسر، مکرر سفارش کرده که با آنان به نیکی معاشرت کنید. در پرداخت مهریه، حقوق متقابل، هزینه‌های جاری زندگی، حتی هنگام جدایی و طلاق همسر، خدا به نیکی با وی سفارش فرموده است، پس در هیچ حالی مرد نباید به همسر خود ستم کند و حقوق و منزلت او را نادیده بگیرد، گرچه وی مرتکب اشتباهی شده باشد حتی درباره همسر مطلقه به دادن هدیه‌ای متناسب با توانایی شوهر سفارش شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۲: ۲۵۵).

در دین اسلام روایات فراوانی درباره نیکی به همسر آمده است؛ براساس آموزه‌های دینی، از مهم‌ترین موارد نیکی به همسر اظهار محبت به وی و آراستگی ظاهری مرد است که از عوامل تحکیم خانواده به شمار می‌رود؛ حضرت علی (ع) در وصیت به محمد حنفیه^۱ فرمود: «فإن المرأة ریحانة و لیست بقهرمانه فدارها علی کل حال و أحسن الصحبة لها فیصفو عیشک» (صدوق^۲، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۳۹۲): زن مثل گل ریحانه (ظریف) است و کلفت خانه نیست، از این‌رو در همه حال با مهربانی با او رفتار و به‌خوبی با او معاشرت کن تا زندگی‌ات شیرین شود.

در مورد کیفر خشونت مرد با همسر، رسول خدا می‌فرماید: «من ضرب امرأة بغير حق فأنا خصمه یوم القيامة، لا تضربوا نساءکم فمن ضربهم بغير حق فقد عصی الله و رسوله» (دیلمی^۳، ۱۴۱۲ق: ۱۷۵): هر کس زنی را از روی ستم بزند، من در روز قیامت دشمن او خواهم بود، زنانان را نزنید، هر کس آنان را از روی ستم بزند، خدا و پیامبرش را نافرمانی کرده است.

۱. Mohammad Hanafiyah

۲. Sadough

۳. Dailami

حضور زن در اجتماع و بهره‌مندی وی از حق تحصیل و اشتغال نیز همواره یکی از موضوعات بحث‌برانگیز میان جوامع شرقی و غربی بوده و هست. از نظر اسلام زن نیز مانند مرد دارای ذوق، فکر، فهم، هوش و استعداد کار است، این استعداد را خدا به او داده است و بیهوده نیست و باید به ثمر برسد. عامل انسانی بزرگ‌ترین سرمایه اجتماع است، زن نیز انسان است و اجتماع باید از کار و فعالیت این عامل و نیروی تولید او بهره‌مند گردد. فلج کردن این عامل و تضییع نیروی نیمی از افراد اجتماع، هم برخلاف حق طبیعی فردی زن است و هم برخلاف حق اجتماع و سبب می‌شود که زن همیشه به صورت سربار و کل بر مرد زندگی کند (مطهری، ۱۳۵۳: ۸۹-۹۰). آنچه اسلام می‌گوید نه آن چیزی است که مخالفان اسلام، اسلام را بدان متهم می‌کنند یعنی محبوسیت زن در خانه و نه نظامی است که دنیای جدید آن را پذیرفته است و عواقب شوم آن را می‌بیند یعنی اختلاط زن و مرد در مجامع؛ اسلام می‌گوید: نه حبس و نه اختلاط بلکه حریم، سنت جاری مسلمین از زمان رسول خدا همین بوده است که زنان از شرکت در مجامع منع نمی‌شده‌اند ولی همواره اصل حریم رعایت شده است (مطهری، ۱۳۵۳: ۲۲۴-۲۲۵).

برخی از دشمنان اسلام هم با استناد به آیه ۲۲۳ سوره بقره «نساؤکم حرث لکم فأتوا حرثکم انئی شئتم» و آیه ۳۴ سوره نساء «و اللاتی تخافون نشوزهنّ فعظوهنّ و اهجروهنّ فی المضاجع و اضربوهنّ فإن أطعنکم فلا تبغوا علیهنّ سییلاً» و بیان جواز فقهی و شرعی تنبیه زن و تجاوز زناشویی در صورت نافرمانی و ممانعت از هم‌بستری با شوهر مدعی‌اند که برخی آموزه‌های دینی عاملی برای تشدید خشونت علیه زنان است حال آن‌که با مراجعه به تفاسیر مشخص می‌شود که اولاً بر اساس فرمایش امام صادق (ع) نشوز زن آن است که در فرارش از شوهر تبعیت نکند و مقصود از اضربوهنّ زدن با چوب مسواک و شبیه آن است، زدن که از روی رفق و دوستی باشد ثانیاً اطاعت زن از شوهر و حفظ حقوق وی، مشروط به تأمین زندگی او از سوی مرد است ثالثاً مرد هیچ حقی در آزردهن همسر مطیع خود ندارد رابعاً سه مرحله عجز، ترک هم‌خوابی و تنبیه برای مطیع کردن زن است، پس اگر از راه دیگری زن مطیع می‌شود، مرد حق برخورد ندارد (قرائتی، ۱۳۹۶: ۸۴). خامساً هدف شرع از وجوب پذیرش درخواست جنسی شوهر از سوی زن، به خاطر حفظ وحدت خانواده و پیشگیری از طلاق است و امتناع زن از این درخواست، ممکن است منجر به انحراف مرد و تأمین نیازهای جنسی و عاطفی‌اش در خارج محیط خانواده و از طرق غیر مشروع شود سادساً بر اساس تحقیقات میدانی، اکثریت مطلق زنان قربانی خشونت در جوامع مسلمان از جمله عراق معتقدند که نه تنها دین عامل اعمال خشونت علیه آنان نیست، بلکه خشونت نسبت به زن ناشی از فقدان عامل بازدارنده دینی در مرد خشونت‌گرا است. از این رو می‌توان گفت که زن در خانواده‌هایی مورد اهانت و تحقیر و ظلم قرار گرفته که روح اسلامی در آن خانواده‌ها نبوده یا ضعیف بوده است (مطهری، ۱۳۵۳: ۳۶).

سیمای خشونت علیه زن در شعر معاصر عراق

در این بخش به دیدگاه چهار شاعر برجسته عراقی معاصر یعنی رصافی، زهاوی، سیاب و ملائکه پرداخته می‌شود:

اشعار رصافی در مورد خشونت زنان

رصافی (۱۹۴۵-۱۸۷۵م) در شعر خود زمان حال را در نواحی مختلف آن به خصوص مسائل اجتماعی توصیف کرده است و در اصلاح وضع ملت و کوشش برای اتحاد آن سعی فراوان نموده است. مشهورترین

اثر رصافی دیوان او معروف به «رصافیات» در ۱۱ باب است (فاخوری^۱، ۱۹۸۷، ترجمه آیتی، ۱۳۷۸: ۷۲۹) که یک باب آن موسوم به «النسائیات» است و در این باب به تشریح وضعیت زنان و دفاع از حقوق پایمال شده آنان پرداخته است.

بازتاب محرومیت زنان از حقوق اولیه

برخی از شاعران مانند رصافی در برابر ظلم‌هایی که زنان از آن رنج می‌برند نظیر محرومیت از بدیهی‌ترین حقوق انسانی، محدود کردن آزادی‌اش در داشتن زندگی‌ای انسانی و حبس وی در خانه قد علم کرده‌اند (عزالدین^۲، ۱۹۶۰: ۲۵۳) او چنین می‌سراید:

لقد غمطوا حق النساء فشدوا
عليهن في حبس و طول ثواء
أضاقوا عليهن الفضاء كأنهم
يغارون من نور به و هواء
(رصافی، ۱۹۵۹، ج ۱: ۳۴۲)

ترجمه: با حبس طولانی زنان در خانه و انزوایشان، حق آنان را ضایع کرده و آنان را به ستوه آورده‌اند. جو موجود را علیه زنان تنگ کرده‌اند، گویی حتی نسبت به نور و هوایی که به خانه آنان می‌تابد و می‌وزد، هم غیرت می‌ورزند. او از اینکه زنان به کالا و ابزاری برای کام‌جویی تبدیل شده‌اند رنج می‌برد:

فما هن إلا متع من متاعهم
و إن صن عن بيع لهم و شراء
(رصافی، ۱۹۵۹، ج ۱: ۳۴۲)

ترجمه: زنان جز وسیله‌ای لذت‌بخش برای مردان نیستند، آن‌هم اگر از تجارت مرد با آنان به‌عنوان کالا و خرید و فروشش مصون مانده باشند.

شرافت مرد در گرو شرافت زن

به اعتقاد رصافی زبونی مرد و ضعف شخصیتش ناشی از ضعف و زبونی زن در جامعه است و زن ضعیف و زبون نمی‌تواند مردی شجاع و آزاده بسازد. از نظر رصافی مردی که در آغوش زنی ذلیل پرورش می‌یابد، ذلیل و ضعیف از آب درمی‌آید و اگر مردان زمینه مناسبی برای بهره‌مندی زنان از زندگی شرافتمندانه فراهم می‌کردند و به این موضوع اهمیت می‌دادند، نسلی شریف، آزاده و شجاع برای عراق تربیت می‌کردند:

۱. Fakhouri

۲. Ez Al-Din

أهانوا بهن الأمهات فاصبحوا
 و لو أنهم أبقوا لهن كرامه
 ألم ترهم أمسوا عبيدا لأنهم
 بما فعلوا من الأم اللؤماء
 لكانوا بما ألقوا من الكرماء
 على الذل شبوا في حجور إماء
 (رصافی، ۱۹۵۹، ج ۱: ۳۴۲)

ترجمه: مردان، با اهانت به زنان، مادران را خوار و ذلیل کردند و در نتیجه ذلت و خواری مادران، مردان نیز سخت ذلیل و فرومایه از آب درآمدند. اما اگر کرامت و منزلت مادران را حفظ می کردند، نتیجه اش مردان نیز شریف به بار می آمدند. آیا نمی بینی که مردان با ذلت و خواری در دامان کنیزان (و تغذیه با شیر آنان) بزرگ شده اند؟!

و از آنجا که مردان در دامان کنیزان پرورش یافته اند، به زندگی خفت بار و بردگی تن داده اند و فرزند به پدر و مادرش شباهت بیشتری دارد و به آن دو منتسب می شود و چون مردان به ذلت و خفت مادران و همسرانشان رضایت دادند، خود نیز ذلیل و خفیف شدند (طبانہ، ۱۹۷۴: ۲۶-۲۷). رصافی به خیر نسلی که در آغوش زنان نادان پرورش یافته و با شیر زنان ذلیل تغذیه کرده است، امید ندارد:

فكيف نظنُّ بالأبناء خيرا
 و هل يرجى لأطفال كمال
 اذا نشأوا بحضن الجاهلات
 اذا ارتضعوا ثدى الناقصات
 (رصافی، ۱۹۵۹، ج ۱: ۳۴۹)

ترجمه: پس چگونه به خیر و برکت فرزندانمان که در آغوش زنان نادان بزرگ شده اند، امیدوار باشیم؟! و آیا انتظار پیشرفت و کمال از کودکانی که از سینه زنان عقب مانده شیر خورده اند، می رود؟!

انتقاد از خلأ قانونی حمایت از زنان

رصافی در اشعاری دیگر، وضع زنانی را توصیف می کند که از ذلت و تحقیر رنج می برند، زنانی که به حاشیه جامعه رانده شده و جامعه ارزشی برای آنان قائل نیست، نه قانونی از آنان حمایت و نه جامعه به آنان رحم می کند. او وسیله ای برای لذت مرد است و تا هر وقت بخواهد، نگهش می دارد و چون از او بی نیاز شد، طلاقش می دهد و زن برای رویارویی با چالش های زمانه بی رحم و ظلم آشکار، سلاحی جزء گریه ندارد:

ما أهون الأنثى على ذكراننا
 هي متعة المستمتعين وليتها
 فوليتها عند الدفاع يبيعها
 و كلاهما متحكّم في أمرها
 فلقد شجاني ذلها و خضوعها
 كانت لزاماً لا يجوز مبيعها
 و حليلها عند الطلاق يضيعها
 هذا يعريها و ذاك يجيعها
 (رصافی، ۱۹۵۹، ج ۱: ۳۵۴)

ترجمه: زن نزد مرد ما چقدر بی ارزش است! به خاطر زبونی و کرنش زن سخت ناراحتم. زن به کالایی برای لذت جویی عشرت طلبان تبدیل شده است؛ اما کاش زن، امانتی واجب بود که فروش آن ممنوع بود. ولی زن در نزاع‌های عشیره‌ای، او را به عنوان خون‌بها می‌فروشد و شوهر زن به هنگام طلاق تباهش می‌کند. چه ولی زن و چه شوهر زن، در تصمیم خود درباره‌اش مستبدانه رفتار می‌کنند، ولی زن او را برهنه و شوهرش او را گرسنه می‌کند.

اشعار زهاوی در مورد خشونت زنان

زهاوی (۱۹۶۳ - ۱۸۶۳م) از جمله کسانی بود که برای حقوق زنان مبارزه کرد.

انتقاد از بدرفتاری مردان در حق زنان

زهاوی زنی را توصیف می‌کند که شوهرش زندگی را به کامش تلخ و او را از حقوق انسانی‌اش محروم کرده است و طعم ذلت را به او چشاند و او را تهدید به طلاق می‌کند تا طعمه آوارگی، تباهی و ظلم جامعه بی‌رحم شود:

لقد أضاعت عنده	من الحياء حقها
فهل تزوجت به	أم ملكته رقها
يسومها الخسيف فيان	تدمرت طلقتها
ذلك ما أخشنه	و تلك ما أرقها
و إنها الروح التي	بعسفه أرقها

(زهاوی، ۱۹۲۴: ۳۰۸)

ترجمه: و حقوق طبیعی زندگی‌اش را نزد شوهر تباه کرد. آیا با مرد ازدواج کرده یا خود را کنیز مرد کرده است؟ زنش را تحقیر می‌کند و اگر غرولند و شکوه کند، طلاقش می‌دهد. آن مرد چقدر خشن و زُمخت است و آن زن چقدر لطیف و ظریف است. بلکه زن روحی است که با خشونت و بدرفتاری مرد به ستوه می‌آید.

وی مردی را مورد خطاب قرار می‌دهد که همواره حقوق زنش را ضایع می‌کند، گویی نزد زنان خون‌بهای دارد که این گونه از او انتقام می‌گیرد و مثل علف‌های هرز مضرّی که له می‌شوند، کرامت زنش را لگدمال می‌کند:

مازلت تغمط حق النساء حيث تحلّ / كأنما لك عند النساء من قبل ذحلّ / تدوسها حين تمشي كأنما هي بقلّ (زهاوی، ۱۹۲۴: ۳۱۳).

ترجمه: همواره هر کجا که می‌روی، حق زنان را ضایع می‌کنی، گویی تو خون‌بهای قدیمی نزد زنان داری. زمانی که راه می‌روی، او را مثل علف زیر پایت له می‌کنی.

زهاوی زنی زیبا را مورد خطاب قرار می‌دهد که آثار غم و اندوه بر چهره‌اش پدیدار شده و گریان از ظلم و خشونت مردش شکوه می‌کند و شاعر گشایش و راه حل مشککش را فقط مرگ می‌داند. برخی شاعران هر وقت زمانه را از زندگی شرافتمندانه تهی می‌دیدند، یا به خاطر دردی بی‌درمان امید خود را از

دست می‌دادند، آرزوی مرگ می‌کردند، اما زن به خاطر زندگی فلاکت بارش به قبر پناه می‌برد تا از ظلم جامعه و خشونت و بی‌رحمی مردان خلاص شود:

و ربِّ حسناء تمشی و هی باکیه قرأت منها سطورا تلک تنبئی حسنا لا تجزعی من غمّه ثقلت و بعد ذلک موت یستریح به	لها دموع علی الخدین تنسجم أن الرجال لها من غلظه ظلموا فلیس من حاله إلا ستصرم من الحیاة الذی قد مضه الألم (زهاوی، ۱۹۲۴: ۱۲۳)
--	---

ترجمه: و چه بسا زنی زیبا که گریه کنان راه می‌رود و اشک از گونه‌هایش جاری می‌شود. از لابه‌لای اشک چشم او سطرهایی خواندم که از خشونت و ظلم مرد نسبت به او پرده برمی‌دارد. ای زن زیبا به خاطر اندوهی که بر دلت سنگینی می‌کند، بی‌تابی مکن؛ زیرا هیچ حالتی پایدار نیست و سپری می‌شود. و پس از آن مرگی است که با آن از این زندگی آکنده از درد و رنج راحت می‌شوی.

زبونی ملت، نتیجه زبونی زنان

زهاوی نیز مانند رصافی بر این باور است که نتیجه ذلت و زبونی زنان، چیزی جز ضعف یک ملت نیست. زمانی که زنان نزد مردان از ارزش‌های انسانی و کمترین حقوق اولیه برخوردار نیستند، در نهایت خواری یک ملت را رقم می‌خورد:

القوم یا ابنه یعرب ظلموک ظلما ما رأیت لا تمسکی بالقوم ان حججوک عن أبناء نو سجنوک فی بیت أرید و إذا النساء ردین فی	من جهلهم وأدوک وأدا له لعمر الحق حدا القوم لا یرعون عهدا عک حاسبین الغی رشدا بضیقه لیكون لحدا شعب فأن الشعب یردی (زهاوی، ۱۹۲۴: ۳۱۶)
--	---

ترجمه: ای دختر عرب تبار! قومت (در گذشته) از سر جهالت، تو را زنده‌به‌گور کردند. ظلمی در حق تو روا داشتند که به خدا سوگند، ظلمی گران‌تر از آن سراغ ندارم. به این قوم دل مبنده که آنان به هیچ عهد و پیمانی پایبند نمی‌مانند. تو را هم از چشم هم‌نوعانت پنهان کردند، این قوم گمراهی را هدایت به حساب می‌آورند. تو را در خانه‌ای حبس کردند که از شدت تنگی و فشارش آرزو می‌کنم قبری شود (بمیری و از این وضع خلاص گردی). و اگر زنان ملتی عقب‌بمانند، آن ملت نیز به ملتی عقب‌مانده تبدیل می‌شوند.

اشعار سیاب در مورد خشونت زنان

سیاب (۱۹۶۴ - ۱۹۲۶م) بنیان‌گذار شعر نو عرب و آغازگر جنبش شعر آزاد، با اینکه اغلب اشعار او جنبه سیاسی دارد، ولی نسبت به زن و جایگاه او در جامعه، سروده‌های قابل تأملی دارد که در این بخش به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ابتدال زنان نتیجه خشونت علیه آنان

سیاب از زاویه‌ای دیگر به زن می‌نگرد و در این زاویه، سقوط زن و ابتدالش را به خاطر ظلم، خشونت و فشاری که نسبت به او روا داشته‌اند، توجیه می‌کند و شعرش را برای بیان رنج‌های زن و له‌شدگی اجتماعی وی به خدمت گرفته است (جابر، ۲۰۱۲: ۱۸۷). شعرش شعر خشم، اندوه و اعتراض به واقعیات تلخ عراق و جهان عرب است و خشم و اعتراض شاعر در قصایدی چون «روسی کور» و «گور کن» و «اسلحه و کودکان» موج می‌زند. وی از سمبل‌های مزبور، جامعه‌ای می‌سازد که در آن واحد هم برای آن مرثیه می‌خواند و هم بر آن خشم می‌گیرد (صالح، ۲۰۰۸: ۱۱۱). سیاب بر جوهر زن به مثابه یک وجود متمرکز شده است، وی به زن بسان واقعیتی اجتماعی مانند انسانی مغلوب که از انواع حق‌کشی‌ها رنج می‌برد، اهتمام می‌ورزد. سیاب به روسپی کور می‌نگرد که قحطی، جوانی‌اش را از او گرفته و فقر و جور زندگی او را نابینا کرده و مردها به خاطر نابینایی‌اش به او علاقه‌ای نشان نمی‌دهند:

لَمْ يَرْضُ الزَّانُونَ عَنْهَا وَحَدَاهَا؟ لَمْ يَرْضُونَ / وَهِيَ الْفَقِيرَةُ فَقْرَ شَحَاذٍ؟ أَمَا هِيَ كَالنِّسَاءِ (سیاب، ۲۰۰۰: ۲۷۸).
ترجمه: چرا مردان هرزه تنها از او روی برمی‌تابند؟ چرا از او که فقیری سخت محتاج است، دوری می‌کنند؟ آیا او مثل زنان دیگر نیست؟

و ظلم در برابر چشمش مجسم می‌شود، شبی از خون و شراره آتش، شب مردی که در جرگه قاتلان پدرش است:

سترده هی للرجال بأنهم قتلوا أباهما/ و تلقفوها يعثون بها و ما رحموا صباها/ لم يبتغوها للزواج لأنها امرأة فقيرة (سیاب، ۲۰۰۰: ۲۹۱).

ترجمه: او مرد را نخواهد پذیرفت، زیرا آنان پدرش را کشته‌اند. اما او را می‌قاپند و سربه‌سرش می‌گذارند و به جوانی‌اش رحم نکردند. به ازدواج با او تمایلی نداشتند؛ زیرا زنی فقیر است.

و تحت فشار شرایط و عطش جنسی مردان، در منجلاب فساد می‌افتد، پس خون در سینه برای انتقام از او جهت پاک کردن «لکه ننگ» به جوش می‌آید، انتخابی جز مرگ یا فرار و انحطاط ندارد:

و استدرجوها بالوعود لأنها كانت غريرة/ و تهامس المتقولون فتار أبناء العشييرة/ متعطين على المفارق و اللدروب إلى دماها (سیاب، ۲۰۰۰: ۲۹۱).

ترجمه: به تدریج با دادن وعده، فریض دادند، زیرا جوانی سخت خام و ناشی بود. آدم‌های دروغ‌باف شایعه‌پراکن، درباره‌اش پیچ‌پیچ کردند تا این که خون مردان قبیله به جوش آمد و تشنه خونش شدند و در کوچه و خیابان در کمینش نشستند.

سیاب با ارائه این تراژدی درباره‌ی زن که زندگی بی‌رحم و ظلم‌ستمگران آن را اجرا کرده است، تصویری زشت از فروکوبی، ظلم، وحشت و خون که همگی از مظاهر فاحش خشونت هستند، منعکس می‌کند.

روسی کور پیش از هر چیز فریادی اجتماعی و موضعی سیاسی است، تصویری تمام‌عیار از تباهی اجتماعی و اعتراض به همه واقعات است (اطیمش^۱، ۱۹۸۲: ۲۲۶).

انتقاد از عدم اختیار زن برای ازدواج

از زاویه‌ای دیگر، سیاب به وضعیت مصیبت‌بار و فاجعه‌آمیز دیگری درباره زن می‌پردازد که خشونت در آن با بدترین حالتش جلوه می‌کند؛ حالتی که دختران جوان از انتخاب شریک زندگی‌شان محروم‌اند تا پس از آن که ظالمانه قربانی اختلافات، منازعات و عقب‌ماندگی‌ها شدند، به خاک سپرده شوند که سیاب از زبان گورکن برای آنان مرثیه می‌خواند:

حتى الشفاه يمصّ من دمها الثرى حتى النهود/تذوى و يعصر فى ارتخاء من مرضعها المغير/واها لها تيك النواهد و المآقى و الشفاه/واها لأجساد الحسان أيا كل الليل الرهيب/و اللود منها ما تمنّاه الهوى؟ وا خبيته! (سياب، ۲۰۰۰: ۲۸۸).

ترجمه: خاک از خون لب‌ها می‌مکد، حتی سینه‌ها پژمرده می‌شوند و خاک با بی‌حالی سینه‌های پژمرده را می‌فشارد. افسوس بر آن سینه‌ها و چشم‌ها و لب‌ها، افسوس بر پیکرهای زنان زیبا! آیا شب مخوف و کرم از آنان می‌خورد؟ آیا عشق در آرزوی آن‌ها نبود؟ آه از این مصیبت.

ستمگری نسبت به زن، بدتر از زناکاری

گورکن جانیان را محکوم می‌کند و آنان را به خاطر مباح دانستن خون دختران و هتک حرمتشان به آنان پست‌تر از زناکاران می‌داند:

لأحط من زان بما انتهك الغزاة و ما استباحوا/ و القاتلون هم الجناة و ليس حفار القبور/ و هم المجاعة و الحرائق و المذابح و النواح (سياب، ۲۰۰۰: ۲۹۱).

ترجمه: جانیان به خاطر مباح داشتن خون دختران و هتک حرمت به آنان پست‌تر از مرد زناکار هستند و قاتلان آنان همان مردهای جنایت‌کار هستند و نه گورکنان! قاتلان عین قحطی، آتش، وسیله سلاخی و شیون هستند.

انتقاد از سنت‌های غلط گذشته پیرامون زنان

شاعر به سنت‌های پوسیده و افکار تیره‌ای که افسانه‌ها آن‌ها را مثل کاردهایی که دل‌های عشاق را قطعه‌قطعه می‌کند و خون بینوایان را رنگارنگ می‌کند و چشم ستمگران برای آن برق زند، توجه می‌دهد، ستمگران این سنت‌ها را به وحی آسمانی نسبت می‌دهند و به خاطر خباثتشان وحی را به بازیچه می‌گیرند، حال آنکه وحی نیست (جابر، ۲۰۱۲: ۱۹۰):

أساطير مثل المدى القاسيات/تلاوينها من دم البائسين/فكم أومضت بعيون الطغاة/بما حملت من غبار السنين (سياب، ۲۰۰۰: ۲۹۱).

ترجمه: اسطوره‌هایی مثل کاردهای بی‌رحم که از خون بینوایان بدبخت رنگین شده است، این اسطوره‌ها که گردوغبار روزگار بر آن نشسته است، چقدر به گردنکشان ستمگر چشمک می‌زنند.

افسانه‌هایی که زمانه آن‌ها را زدوده و خاک روزگار آن‌ها را پوشانده است؛ اما مردان ستمگر هنوز هم غبارشان را می‌زدایند تا دوباره احیایشان کنند (جابر، ۲۰۱۲: ۱۹۰):

يقولون وحى السماء / فلم يسمع الأنبياء / لما قهقهت ظلمة الهاوية / بأسطورة بالية / تجرّ القرون / بمر كبة من لظى فى جنون / لظى كالجنون (سياب، ۲۰۰۰: ۲۹۱).

ترجمه: می‌گویند: وحی آسمانی است؛ اما انبیاء تاکنون آن را نشنیده‌اند. وقتی ظلمت فاجعه به اسطوره‌ای پوشیده بخشد، قرن‌ها را با ارابه‌ای از شعله آتش در جنون به دنبال خود می‌کشد، شعله‌ای آتش چون جنون. سیاب در این قصاید تابلوهای اجتماعی سیاه و ظلمانی ناامیدکننده‌ای حاوی نمونه‌های له‌شده در زیر چکمه طغیان خودخواهی، سوداگری، نبود تأمین اجتماعی و نهادهای حمایتی و اقدام جدی برای تغییر همه‌جانبه ترسیم می‌کند (جابر، ۲۰۱۲: ۱۹۰).

سیاب در بسیاری از متون شعری‌اش به دفاع از زن ستم‌دیده می‌پردازد و بسیاری از عللی که زن را به انحراف می‌کشاند، بیان کرده و اینجا است که درمی‌یابیم سیاب به انقلاب علیه جامعه دعوت کرده است (صالح، ۲۰۰۸: ۱۱۳-۱۱۴) و در قصیده «قارئ الدم» شاعر ما را به موکب زنان منتقل می‌کند که نذری‌هایشان را برای قبور اولیاء آورده‌اند و از فشار شرایط جانکاه، جفای جامعه، پایمال شدن حقوق و بی‌حرمتی به کرامتشان به درگاه خدا تضرع و لابه می‌کنند، شمع‌هایی برای شفاعت روشن می‌کنند و از خدا می‌خواهند بر آنان منت نهد تا از این وضع نجات یابند و دیگر دست از فشردن سینه‌هایشان تا آن حد که خون از آن بچکد، بکشند. درست و وسط باتلاقی از زندگی که پس از خشک شدن درختان، تکه نانی هم به‌زور پیدا می‌شود:

و الحاملات ندورهن إلى قبور الأولياء / و الموقدات شموعهن تلق ألسنها الكثيرة / كسر الرغيف و يعتصرن دم الثدي إلى الدماء (سياب، ۲۰۰۰: ۲۴۰).

ترجمه: و زنانی که نذری‌هایشان را جهت هدیه به قبور اولیاء آورده‌اند، زنانی که شمع‌هایی را برافروخته‌اند، این همه زن تکه نانی را با زبان‌هایشان می‌لیسند و از شدت اندوه، سینه‌هایشان را می‌فشارند تا خون از آن بچکد.

در این قصاید قدرت سیاب بر محکومیت ظلم اجتماعی و نتایج آن نظیر طرد، به حاشیه راندن، پایمالی حقوق و ظلم به زن به‌عنوان موجودی خیلی ضعیف و در همان حال کاملاً له‌شده، آشکار می‌شود.

اشعار ملائکه در مورد خشونت زنان

ملائکه (۱۹۹۳-۱۹۲۳م) نیز در اشعارش از احساسات زنانه خویش برای بیان اوضاع نامناسب و فلاکت‌بار زنان، بهره برده است که در این بخش به قسمت‌هایی از این سروده‌ها اشاره می‌کنیم:

انتقاد از دیدگاه جاهلانۀ مردان درباره زنان

ملائکه سیمای خشونت، خون و آدم‌کشی را ترسیم می‌کند و برای خون‌هایی که به‌ناحق تحت عنوان «ننگ‌زدایی» ریخته می‌شود، مرثیه می‌خواند تا خون و خاک با هم آمیخته و موی فرخورده با خرخر مرگ آغشته شود. صدای «وای مادر» از تن ذبیحه بلند می‌شود اما کسی جزء جلاد، آن را نمی‌شنود. جلاد چاقویش را در سینه قربانی فرومی‌برد و نبض قلب متوقف و صدایش قطع می‌شود و صدای جلاد، مفتخرانه

و ظفر مندانه بلند می شود که «ننگ» را کشتیم:

أماه و حشرجة و دموع و سواد / و انبجس الدم و اختلج الجسم المطعون / و الشعر الممتوج عشش فيه الطين /
أماه و لم يسمعها إلا الجلاذ / و يعود الجلاذ الوحشي و يلقي الناس / العار و يمسح مديته مرقنا العار (ملائكة،
۲۰۰۳، ج ۲: ۱۰۳-۱۰۴).

ترجمه: مادر! در این آخرین نفس ها و اشک و سیاهی، به دادم برس. خون فواره کرد و جسم زخمی تکان خورد و موی فرخورده به خاک آغشته شد. فریاد «مادر به دادم برس» را تنها جلاذ می شنود و جلاذ وحشی باز می گردد و مردم را به ننگ و خواری دچار و چاقویش را تمیز می کند و فریاد برمی آورد: ننگ را زدودیم. ملائکه صحنه خونین و فجیع دیگری را برای ما ترسیم می کند: صدای زنان کوچه و دختران جوان روستا به گوش می رسد، نانشان آمیخته با اشک است و خونشان مباح اعلام شده و زندگی شان در انتظار چاقوی پدر و برادر به خاطر زدودن لکه ننگ و عار است، تا قامت جلاذ بلند و لباسش سفید باقی بماند:

يا جارات الحارة يا فتيات القرية / الخبز سنعجنه بدموع مآقينا / سنقص جدائلنا و سنسلخ أيدينا / لتظل ثيابهم
بيض اللون نقيه / لا بسمه لا فرحة لا لفته فالمديئة / ترقبنا في قبضة والدنا و أختينا / و غدا من يدري أي قفار /
ستوارينا غسلنا للعار (ملائكة، ۲۰۰۳، ج ۲: ۱۰۳-۱۰۴).

ترجمه: ای زنان کوچه و ای دختران جوان روستا! نان را در اشک چشمانمان خواهیم خیساند، گیسوهایمان را خواهیم برید و پوست دست هایمان را خواهیم کند تا لباس هایشان پاک و سفید باقی بماند. نه لبخندی، نه شادی ای، نه نگاهی، چاقو در دست پدر و برادرمان در انتظار ما است و فردا چه کسی می داند که به خاطر ننگ زدایی در کدامین برهوت دفن خواهیم شد.

مرگ، آرزویی برای خلاصی از وضعیت موجود

ملائکه در فضایی مملو از ناامیدی و اندوه از وضعیت زنان، جام های تلخ زندگی و پیاله های شوربختی را می آشامد و آرزو می کند زندگی اش پایان یابد:

و لتجرعني كؤوس الـ	حزن و اليأس ما يشاء شفاها
هل ستصغي الي رجائي المنايا	إن تمنيت صمتها و دجاها
إن تمنيت أن أعيش فما يسـ	تمتع الموت او يمد السنينا
او تمنيت أن اموت فما يُر	حم حلمي و لست ألقى المنونا
	(ملائكة، ۱۹۸۱، ج ۱: ۲۴-۲۵)

ترجمه: باید جام های غم و اندوه و ناامیدی را به من بچشانی، چیزی که بدبختی آن خواسته می شود. آیا مرگ، به آرزوی من گوش می دهد اگر سکوت و تاریکی آن را بخواهم؟! (حال اینکه) اگر بخواهم زندگی کنم، مرگ گوش نمی دهد یا سال های آن را زیاد نمی کند! یا اینکه اگر بخواهم بمیرم به رؤیای من رحمی نمی کند و مرگ را در نمی یابم!

اما چون آرزوی مرگ شاعر به این زودی محقق نمی شود، پس آرزو می کند کور باشد تا تازیانه های شر را که پشت زنان بی گناه را می سوزاند، نبیند، آرزو می کند تا کر باشد و صدای تازیانه ها و ناله های قربانیان

را نشود و آرزو می‌کند قلبش از سنگ تراشیده شده باشد تا در برابر عذاب‌های دنیا صبور و مقاوم باشد: یا لیتنی عمیاء لا أدری بما تجنی الشرور / صماء لا أصغی الی وقع السیاط علی الظهور / یا لیت قلبی کان صخرأ لا یعدبه الشعور (ملائکه، ۲۰۰۳، ج ۲: ۱۰۳-۱۰۴).

ترجمه: ای کاش کور بودم تا از جنایات آدم‌های شرور بی‌خبر بودم، ای کاش کر بودم تا صدای تازیانه‌هایی که بر پشت‌ها زده می‌شد، نمی‌شنیدم. ای کاش دلم مثل سنگ، سخت بود تا احساس، آن را رنج نمی‌داد.

و شاعر از زندگی میان زنده‌نماهای مرده که مثل بوزینه با غل و زنجیرهای شرارت راه می‌روند و کفتارهایی که شب و روز در شرارت غوطه‌ورند، روی برمی‌تابد و در این کره‌خاکی برای اندوه‌ها و دردهایش تسلایی نمی‌یابد، از این رو بقا در این دنیا را بی‌معنا می‌داند:

لا أرید العیش فی وادی العبید / بین اموات ... و إن لم یدفئوا / جُثت ترسفی فی أسر القیود / آدمیون و لکن کالقروء / و ضباع شرسة لا تؤمن / و هم فی الشر فجراً و مساء (ملائکه، ۲۰۰۳، ج ۲: ۴۸۰-۴۸۳).

ترجمه: نمی‌خواهم در وادی بردگان زندگی کنم، میان میت‌هایی که دفن نشده‌اند، لاشه‌هایی که با زنجیر راه می‌روند، آدم‌هایی بسان بوزینه و کفتارهایی درنده‌خو که از شر آنان کسی ایمن نیست و شب و روز دست به شرارت می‌زنند.

ملائکه ریشخندی دردناک و آکنده از غم و اندوه را در قصیده «الراقصة المذبوحه» گنجانده است، وی خطاب به قربانی می‌گوید:

إرقصی مذبوحه القلب و غنی / إسألنی الموتی الضحایا ان یناموا / ثوره؟ لا تبغضی السوط المَلحاً / آی معنی لاختلاجات الضحایا؟ / بعض أحزان ستسی و رزایا / و قتیل أو قتیلان و جرحی / اضحکی للمدیة الحمراء حبا / منة أن تذبیحی ذبح النعاج / اسکتی الجرح حرام أن ینئا / و ابسمی للقاتل الجانی افتنانا (ملائکه، ۲۰۰۳، ج ۲: ۸۹-۹۰).

ترجمه: ای کشته دل! برقص و آواز بخوان، از قربانیان بی‌جان بخواه که بخوابند، انقلاب؟ از تازیانه بی‌امان بیزار مباش، مگر تکان‌های قربانیان اهمیتی دارد؟ برخی غم‌ها از یاد خواهند رفت و مصیبت‌ها و مقتول یا دو مقتول و مجروحین، از سر شوق به کارد سرخ بختند، اینکه مثل میش سرت را ببرند، مایه امتنان است، درد زخم را تحمل کن زیرا نالیدن حرام است و عشوه‌گرانه به قاتل جنایت کار لبخند بزن.

ترسی که در اعماق روح ملائکه نفوذ کرده و زندگی‌اش را مملو از وحشت کرده، در همه ابعاد زندگی‌اش پخش می‌شود، ترس از فراق و ترس از مکان؛ در واقع محبوب، قاتل عشق او نیست، بلکه ترس شاعر، قاتل حقیقی است و عملاً ترس، عشق شاعر و محبوبش را به قتل می‌رساند و او و محبوبش خاطراتشان را رها کرده و به گور می‌برند:

لِمَ الار تجاف؟ / و فیم نخاف؟ لنفترق الآن، اشعر بالبرد و الخوف، دعنا / نغادر هذا المكان و نرجع من حیث جئنا / غریبین نسحب عبء ادکاراتنا الباهته / و حیدین نحمل أصداء قصتنا الماتته / لبعض القبور (ملائکه، ۲۰۰۳، ج ۲: ۶۰-۶۱).

ترجمه: چرا می‌لرزیم؟ و از چه می‌ترسیم؟ تا همین الان از هم جدا شویم، احساس سردی و ترس می‌کنم، بس کن، اینجا را ترک می‌کنیم و از همان جایی که آمدیم، برمی‌گردیم، غریبانه بار خاطرات رنگ‌پریده‌مان را بر زمین می‌کشیم و به تنهایی، زنگار قصه در حال مرگمان را برای برخی قبرها بر دوش می‌کشیم. و پس از آن که شاعر خاطراتش را به گور می‌سپارد، اشتیاقش می‌میرد و زندگی‌اش بر باد می‌رود،

از این رو می‌کوشد انتقام دلش را بگیرد، پس از محبوبش که پیش‌تر عشقی جنون‌آمیز به او داشت، سخت بیزار می‌شود و بی‌درنگ در صدد قتل یاد و خاطره‌اش برمی‌آید و تنها نفرتش باقی می‌ماند و آن را هم با تراژدی فردایش پیوند می‌زند و با خشم و نفرین و انتقام همراه می‌سازد:

و ابغضتک لم یبق سوی مقتی أناجیه / و اسقیه دماء غدی و أغرق حاضری فیه / و أطعمه لظى اللعنات و الثوره و النقمه / و اسمع صراخ الحقد فی اغنیة مهمه (ملائکه، ۲۰۰۳، ج ۲: ۶۰-۶۱).

ترجمه: و از تو بیزار شدم و جز نفرت چیزی باقی نمانده تا با آن نجوا کنم و خون فردایم را به آن می‌نوشانم و زمان حال را در آن غرق می‌کنم و شعله‌ی نفرین و انقلاب و انتقام را به آن می‌چشانم و فریاد کینه را در سرودی مهم می‌شنوم.

شاعر مقتول را با کندی به سوی گور می‌برد اما طولی نمی‌کشد که به واقعیت بازمی‌گردد و می‌بیند که همه اینها موهوم و غیرواقعی است و وی کسی جز خودش را به قتل نرسانده است:

و کنت قتلک الساعه فی لیلی و فی کأسی / و کنت أشیع المقتول فی بطاء الی الرمس / فأدرکت لون الیأس فی وجهی / بأنی قط لم اقتل سوی نفسی (ملائکه، ۲۰۰۳، ج ۲: ۶۱-۶۰).

ترجمه: و من بی‌درنگ تو را در شبم و در ساغر کشته بودم و مقتول را با کندی به سوی گور می‌بردم و رنگ ناامیدی را در چهره‌ام دیدم زیرا که من تنها خودم را کشته بودم.

و با اندوه خبر مرگ قلبش را می‌دهد و عشق و آرزوهایش را تشییع می‌کند تا عمرش مملو از اشک، حقارت، کینه و شورش و روحش از آتش گرگیرد و برای روحش قبری می‌سازد و در آن سم، خار و شراره می‌کارد:

و فی نفسی الولهی لظى و تمرد / سأدفن تمالی و حبی و أدمعی / أشید قبراً من تمرد خاقفی / و اسقیه من بغضی له و ترفعی / أغنیة ألحان احتقاری و ثورتی / و أزرع فیه الشوک و السم و اللظى (ملائکه، ۲۰۰۳، ج ۲: ۶۰-۶۰۸).

ترجمه: و در روح سرگشته‌ام شراره آتش و شورش است، پیکره و عشق و اشک‌هایم را دفن خواهم کرد، قبری را از طغیان قلب تپنده‌ام می‌سازم و از آب کینه و غروم به آن می‌نوشانم و نغمه‌های تحقیر و انقلابم را برایش می‌خوانم و خار و زهر و آتش در آن می‌کارم.

با زندگی وداع می‌کند، وقت مرگ فرارسیده است، نه نغمه‌ای و نه شادی‌ای، پس خداحافظ زندگی و درود بر مرگ و درود بر نعش!

فوداعاً أیها الרכب وداعاً یا حیاة / آن أن یطفئ افراحی و احزانی الممات / آن أن تهجر قیثاری و عودی النغمات / فسلام أیها الموت سلام یا رفات (ملائکه، ۲۰۰۳، ج ۲: ۵۰۶).

ترجمه: پس بدرود ای رهگذران! بدرود ای زندگی! وقت آن رسیده که مرگ، شادی‌ها و اندوه‌هایم را خاموش کند، وقت آن رسیده که نواها از گیتار و عود دوری گزینند، پس درود ای مرگ، درود ای نعش.

بحث و نتیجه‌گیری

زن در جامعه عرب در طول تاریخ، مظهر شرف مرد و قبیله بوده است و از بیم خدشه‌دار شدن این مظهر، محدودیت‌های سنگینی برایش ایجاد کرده‌اند که به اعمال انواع خشونت نسبت به او انجامیده است و آثار آن هنوز در عراق مشاهده می‌شود. پدیده خشونت علیه زن پدیده‌ای جدید در جامعه عراق نیست؛ تحولات سیاسی و اجتماعی تاریخ معاصر عراق، حاکمیت رژیم‌های دیکتاتوری، تحریم‌های اقتصادی،

سلطه نظام عشائری و فهم غلط مفاهیم شرف و مردسالاری در برخی مناطق این کشور به ویژه مناطق روستایی از جمله عوامل مهم زمینه ساز خشونت علیه زنان در جامعه عراق به شمار می رود و منجر به انزوای زن و محرومیت از حقوق انسانی و اجتماعی و شکل گیری نگاهی حقیرانه به زن شد.

در شعر معاصر عراق، انواع خشونت علیه زنان، بازتابی وسیع داشته است؛ رصافی محرومیت زن از حقوق انسانی و اجتماعی از جمله رشد علمی و فرهنگی، انزوا و نگاه جنسی به زن را در شعرش منعکس کرده و از خلأ قانونی حمایت از زن در جامعه انتقاد و شرافت مرد را در گرو شرافت زن و تربیت نسلی شریف، آزاده و شجاع را مرهون بهره مندی زن از زندگی شرافتمندانه دانسته است.

زهاوی اعمال خشونت های روانی علیه زن از جمله تحقیر و تهدید به طلاق و آوارگی در کوچه و بازار و خشونت فیزیکی نظیر تنبیه بدنی و تعامل با وی در خانه به عنوان کنیز و کلفت را منعکس کرده و ذلت و زبونی هر ملتی را ناشی از ذلت و زبونی زنان آن ملت دانسته و پدیده شوم زنده به گور کردن دختران در دوره پیش از اسلام را بزرگ ترین ظلم عرب قلمداد کرده است.

سیاب از زاویه ای دیگر به زن نگریسته است، وی در این زاویه سقوط زن و ابتذالش را به خاطر ظلم، خشونت و فشاری که نسبت به او روا داشته اند، توجیه کرده و شعرش را برای بیان رنج ها و آلام اجتماعی زن به خدمت گرفته است. او وضعیت مصیبت بار و فاجعه آمیز دیگری را از زن ارائه کرده که خشونت در آن با بدترین حالتش جلوه می کند؛ حالتی که دختران جوان از انتخاب شریک زندگی شان محروم اند تا پس از آن که ظالمانه قربانی اختلافات، منازعات و عقب ماندگی ها شدند، به خاک سپرده شوند. سیاب در قصاید خود، از به حاشیه راندن، پایمالی حقوق و ظلم به زن پرده برداشته است.

ملائکه از فجیع ترین نوع خشونت بدنی علیه زن که از آن تعبیر به «غسلاً للعار» می شود، سخت انتقاد کرده است و برای زنان و دخترانی که به جرم امتناع از ازدواج با مرد مورد نظر پدر یا برادر و اقدام آنان به فرار از خانه و یا به اتهام برقراری رابطه ای خارج از چارچوب ازدواج شرعی و قانونی، به حکم سنت قبیله ای «تنگ زدایی» و به بهانه شرف و اعاده حیثیت خانواده و قبیله، بدون اثبات اتهام و بدون مراجعه به مراجع قضایی، وحشیانه و ناجوانمردانه با چاقوی جلاد ذبح می شوند، مرثیه خوانده است، وی به خاطر ناامیدی و شدت اندوه ناشی از اوضاع اسف بار زنان در جامعه، تسلیی برای اندوه ها و دردهایش در این کره خاکی نمی یابد از این رو بقا را در این دنیا بی معنا می داند.

منابع

- قرآن کریم
- اطیمش، محسن. (۱۹۸۲). دیر الملائک، بغداد: دار الرشید للنشر.
- جابر، صالح محمد. (۲۰۱۲). العنف فی الشعر العراقي الحديث مظاهره و تجلیاته، إطر و حة الدكتوراه، قسم اللغة العربیة و آدابها، کلیة تربیة، جامعة بصره.
- جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۹۲). مفاتیح الحیاة. تحقیق و تنظیم محمدحسین فلاح زاده، یدالله مقدسی، سید کمال الدین عمادی، محمود لطیفی و جعفر آریانی، چاپ یک صد و چهل و سه، قم: نشر اسراء.
- دیلمی، حسن بن علی بن محمد. (۱۴۱۲ ق). إرشاد القلوب إلی الصواب، قم: انتشارات شریف رضی.
- رشید، اسماء جمیل، حمود، علی طاهر، عطوان، محمد، رضا، محمد و صبحی، صباح. (۲۰۱۲). المنظور

- الثقافی للعنف ضد المرأة في العراق، دراسة ميدانية، بغداد: مركز دارالسلام للطباعة.
- رصافی، معروف. (۱۹۵۹). دیوان رصافی، مجلد ۱، طبعه ۶، مصر: المكتبة التجارية الكبرى.
- زارعی، شیما. (۱۳۸۸). گزارشی از نشست نقد و بررسی کتاب «زن و زبان» در شهر کتاب، وبسایت: www.bookcity.co.ir
- زهاوی، جمیل صدقی. (۱۹۲۴). دیوان زهاوی، مصر: المطبعة العربية.
- سیاب، بدر شاکر. (۲۰۰۰). الأعمال الشعرية الكاملة، بغداد: دارالحرية للطباعة.
- سلیم، صیفور. (۲۰۱۱). الأمثال الشعبية كخلفية للعنف في المجتمع الجزائري دراسة تحليلية، فعاليات الملتقى الوطني حول دور التربية في الحد من ظاهرة العنف جامعة الجزائر، العدد ۴، ۷۹ - ۸۹.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۴۱۳ ق). من لا يحضره الفقيه، جلد ۴، تصحيح علی اکبر غفاری، چاپ سوم، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
- صالح، فرح غانم. (۲۰۰۸). المرأة في شعر سیاب، بغداد: دارالشؤون الثقافية.
- طبائنه، بدوی. (۱۹۷۴). أدب المرأة العراقية في القرن العشرين، بيروت: دارالثقافة.
- عزالدین، یوسف. (۱۹۶۰). الشعر العراقي الحديث و اثر التيارات السياسية و الإجتماعية فيه، بغداد: مطبعة سعد.
- غدامی، عبدالله. (۲۰۰۰). المرأة و اللغة، طبعه ۳، بيروت: المركز الثقافي العربي.
- لوین، لیا. پرسش و پاسخ درباره حقوق بشر، ترجمه محمدجعفر پوینده. (۱۳۷۷). چاپ دوم، تهران: قطره.
- فاخوری، حنا. (۱۹۵۱). تاریخ ادبیات زبان عربی، ترجمه عبدالمحمد آیتی (۱۳۷۸)، چاپ چهارم، تهران: توس.
- قرائتی، محسن. (۱۳۹۶). قرآن کریم، ترجمه و تفسیر، چاپ سوم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۵۳). مسئله حجاب، تهران: نشریه انجمن اسلامی پزشکان.
- ملائکه، نازک. (۲۰۰۳). الأعمال الشعرية الكاملة، مجلد ۲، القاهرة: المجلس الأعلى للثقافة.
- ملائکه، نازک. (۱۹۸۱). دیوان، مجلد ۱، طبعه ۳، بيروت: دارالعودة.

**Violence against Women in the Poetry of
Contemporary Iraqi Poets and its Causes
(Case study: Rassafi, Zahavi, Siyab and Malaekch)**

M. Travideh*

P. Salehi **

Abstract

The purpose of the present study was to investigate the concept of violence against women in the poems of four contemporary Iraqi poets including Rassafi, Zahawi, Siyab, Malaekch and their point of views on the phenomenon of violence against women by referring to their poems based on cultural critique and applying the descriptive-analytical method. Violence against women is a bitter phenomenon with a long history, having physical, psychological, sexual, social and economic dimensions that still exist in human societies. The results of the study indicated that the poets had reflected different types of violence against women, such as denial of women participation in the community and their enjoyment of scientific and cultural development, using women as sexual goods, contempt, threats to divorce and wandering, maltreatment, physical punishment, and denying their right to choose a spouse. The poets had also been severely affected by sexual deviation of women caused by the pressure of poverty, the lack of support and social organizations, and unfair slaughter of women based on the tribe tradition of wiping out disgrace. These poets have considered that the education of a noble, free and brave generation for the community depends on women's enjoyment of an honorable life.

Keywords: violence against woman, Iraq contemporary poets, Rassafi, Zahavi, Siyab, Malaekch

*Arabic Language and Literature Department, Farabi Campus, Tehran University, Tehran, Iran.
(Corresponding Author, email: mtsoushiant@gmail.com)

**Arabic Language and Literature Department, Faculty of Literature and Humanities, Ilam University Ilam, Iran .(email: salehi.payman@yahoo.com)